



سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام

جلد اول

تربیت فرزند

دکتر سید علی حسینی زاده

زیر نظر

علیرضا اعرافی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

حسینی زاده، علی، ۱۳۴۳ -
سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) / سیدعلی حسینی زاده . - قم: پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه، ۱۳۸۴.

۴. ج. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۰۱: علوم تربیتی؛ ۱۸)

ISBN: 978-964-7788-42-7

بها: ۱۴۰۰۰ ریال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۱۸۷] - ۱۹۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه.

مندرجات: ج. ۱. تربیت فرزندان. - ج. ۲. تربیت دینی. - ج. ۳. تربیت اخلاقی. - ج. ۴. نگرشی بر
آموزش با تأکید بر آموزه‌های دینی.

۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. تربیت خانوادگی (اسلام). ۳. محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳
قبل از هجرت - ۱۱ ق. - نظریه درباره تربیت خانوادگی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
ب. عنوان.

۲۹۷ / ۴۸۳۷

BP ۲۳۰ / ۱۸ / ۹۳۴۸۷

م۸۴-۲۵۵۹۴

شماره کتابشناسی ملی:



سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، جلد اول: تربیت فرزندان

مؤلف: دکتر سیدعلی حسینی زاده

زیر نظر: علیرضا اعرافی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۰۱؛ علوم تربیتی: ۱۸)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سیزدهم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ دوازدهم: زمستان ۱۳۹۳) (ویراست سوم)

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۷۹۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قسم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☐ تلفن: ۰۲۵۲۲۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نماین: ۳۲۸۰۳۰۹۰ ص. پ. ۳۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ ☐ تهران: خ انقلاب، بسین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو ☐ تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، الهیات و معارف اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم جناب آقای سیدعلی حسینی‌زاده تشکر و قدردانی کند. همچنین از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علیرضا اعرافی ریاست محترم پژوهشگاه که با عنوان ناظر علمی طرح، با ارائه نظریات علمی خود بر غنای این کتاب افزودند، تشکر و قدردانی می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم افزار فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی(ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به پشتوانه چنین میراث گران‌قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطبیق هرچه بیشتر رشته‌ها و

درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است. از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست مطالب

درآمد	۱	۳. مداومت و تکرار فعل از طرف معصوم علیه السلام	۲۵
جایگاه بحث	۱	۴. اخلاقی بودن فعل	۲۵
ضرورت و اهمیت بحث	۲	۵. ادب	۲۵
اهداف طرح	۴	نتیجه	۲۶
مراحل طرح	۴	۲. منظر تربیتی	۲۶
موانع و محدودیت‌ها	۵	الف) نقش تربیتی عام	۲۷
ویژگی‌های طرح	۶	نقش الگویی سیره	۲۷
فصل اول: کلیات و مبانی	۹	آموزش عملی	۲۸
مبحث نخست: واژه‌شناسی	۹	نقش تقویتی	۲۸
۱. سیره	۹	ب) نقش تربیتی خاص	۲۹
۲. سنت	۱۱	نکات	۲۹
۳. تربیت	۱۲	نکته اول	۲۹
۴. اهل بیت: و عصمت	۱۲	نکته دوم	۳۰
۵. سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام	۱۴	نکته سوم	۳۱
مبحث دوم: حجیت و اعتبار سیره	۱۵	فصل دوم: زمینه‌سازی برای تربیت فرزند	۳۳
مبحث سوم: منابع و راه‌های اثبات سیره	۱۷	اهمیت و ضرورت تربیت فرزند	۳۳
۱. قرآن کریم	۱۷	فرزند در آیات و روایات	۳۷
۲. خبر	۱۸	عوامل مؤثر در تربیت فرزند	۴۱
۳. تاریخ	۲۰	عوامل زمینه ساز در تربیت فرزندان	۴۴
مبحث چهارم: دلالت‌ها و کارکردهای سیره	۲۱	الف) عوامل زمینه ساز پیش از تولد	۴۴
۱. منظر فقهی - اصولی	۲۱	۱. انتخاب همسر	۴۴
دیدگاه نخست	۲۲	۲. آداب مباشرت	۵۴
دیدگاه دوم	۲۳	- تأثیر در صحت و سلامت جسمی و حتی چهره فرزند	۵۵
۱. عبادی بودن فعل	۲۴	- تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند	۵۶
۲. نقل فعل یا سیره معصوم علیه السلام از سوی معصوم دیگر یا اصحاب خاص	۲۴	ب) آغاز تولد	۵۸

۱۱۹	اهمیت و نقش بازی در تربیت کودک	۵۸	۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد
۱۲۳	نکاتی درباره بازی کودکان	۶۲	۲. تحنیک یا کام برداشتن
۱۲۷	خلاصه فصل	۶۵	۳. پوشش نوزاد
		۶۵	۴. تبریک و دعا
۱۲۹	فصل چهارم: اصول و روش های تربیتی	۶۸	۵. نام نیک
۱۲۹	الف) اصول تربیت فرزند	۷۳	۶. عقیقه
۱۲۹	۱. آزادی کودک	۷۸	۷. ختنه
۱۳۱	۲. نظارت و مراقبت	۸۰	۸. تراشیدن سر نوزاد و صدقه دادن برای او
۱۴۰	۳. رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض	۸۱	خلاصه فصل دوم
۱۴۷	۴. نرمی و ملاحظت در برابر سخت گیری و خشونت		
۱۴۹	ب) روش های تربیت فرزند	۸۳	فصل سوم: توجه به نیازهای اساسی کودک
۱۴۹	۱. راستی و صداقت	۸۳	۱. محبت به کودک
۱۵۳	۲. تشویق و تحسین	۹۳	نکاتی درباره محبت به کودک
۱۵۵	۳. زدودن زمینه های تخلف	۹۶	۲. تأمین امنیت
۱۵۷	۴. پرهیز از امر و نهی	۱۰۱	۳. تکریم و احترام کودک
۱۶۱	۵. پرهیز از عیبجویی و سرزنش	۱۰۳	آثار تربیتی تکریم و احترام کودک
۱۶۳	۶. پرهیز از تنبیه بدنی	۱۰۷	شیوه های تکریم و احترام کودک
۱۶۶	۱. برخاستن و استقبال از فرزند به هنگام ورود خلاصه فصل		
		۱۰۷	او به مجلس
۱۶۹	فصل پنجم: آموزش فرزند	۱۰۷	۲. سلام کردن به کودکان
۱۶۹	۱. اهمیت آموزش فرزند		۳. اجازه خواستن از کودکان برای گذشت از
۱۷۴	۲. محتوای آموزش	۱۰۸	حقوقشان
۱۷۴	الف) آموزش خواندن و نوشتن		۴. پذیرش دعوت کودکان و دعوت از آنها برای
۱۷۵	ب) آموزش قرآن	۱۰۸	میهمانی
۱۷۶	ج) آموزش آداب	۱۰۸	۵. جای دادن کودکان در صفوف جماعت
۱۷۹	د) آموزش احکام و احادیث	۱۰۹	۶. عیادت از کودکان بیمار
۱۸۱	ه) آموزش حکمت	۱۰۹	۷. با احترام صدا کردن
۱۸۴	خلاصه فصل	۱۱۱	۸. شرکت در بازی کودکان
		۱۱۱	۹. پرهیز از خشونت با کودکان
۱۸۷	۱۰. شرکت دادن کودکان در جلسه دعا برای منابع و مأخذ		
۱۹۳	نمایه ها	۱۱۲	آمین گفتن
۱۹۳	نمایه آیات	۱۱۲	۱۱. شخصیت دادن به کودکان
۱۹۵	نمایه روایات	۱۱۴	۴. بازی با کودک

درآمد

پیش از آغاز مباحث اصلی این نوشتار - در باب سیره - مناسب است گزارشی از روند تحقیق در سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و چگونگی پدید آمدن این اثر تقدیم خوانندگان گرامی شود.

جایگاه بحث

گروه تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در راستای دستیابی به اهداف برنامه درازمدت خود، در کنار طرح‌های کوتاه مدت تحقیقی، تألیفی و ترجمه‌ای، برخی پژوهش‌های بنیادین و بلندمدت را در دستور کار قرار داده است. این طرح‌ها عبارت‌اند از:

۱. آرای تربیتی دانشمندان مسلمان، در پنج جلد؛

۲. نظام تربیتی اسلام، در پنج جلد؛

۳. سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، در چهار جلد؛

۴. معجم‌های قرآنی، روایی و سیره‌ای در حوزه تربیت اسلامی.

نوشتاری که اینک تقدیم محضر ارباب معرفت و صاحب‌نظران تربیت می‌شود، نخستین دفتر از طرح بررسی سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و در بردارنده مباحثی چون «کلیات و مبانی» و «تربیت کودک و فرزند» است و دیگر دفترهای آن به عناوینی چون «تربیت دینی»، «تربیت اخلاقی» و «آموزش در سیره» اختصاص یافته است.

شایان یادآوری است که طرح‌های نظام تربیتی اسلام و سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام که به صورت فنی و دقیق به مسائل تعلیم و تربیت از منظر اسلام می‌پردازد، در راستای پاسخگویی به نیازهای اصلی و فرعی درس‌های دانشگاهی و نیز نیاز صاحب‌نظران، معلمان و مربیان تدوین شده است. همچنین در پرتو کار جمعی، تلاش

جستجوگرانه و مشاوره‌های فراگیر محققان طرح، زمینه تدوین معجم‌های موضوعی تربیتی از آیات و روایات و حرکت به سمت زمینه‌سازی پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، نظری و میدانی در قلمروهای جدیدتر و با شیوه تحقیق کامل، فراهم آمده است. در فرجام این طرح‌ها دستیابی به چشم‌اندازی اجمالی از تربیت اسلامی، به عنوان مقدمه ورود به عرصه‌های نو، مقصود بوده است.

ضرورت و اهمیت بحث

برای تبیین ضرورت و اهمیت این مبحث، یادآوری چند نکته شایسته است:

۱. نظر به جایگاه و اعتبار سنت پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام و شأن و مرتبت والای آنان در هدایت امت، مسلمانان از آغاز تاریخ اسلام، به دو امر مهم اهتمام داشته‌اند: الف) جمع‌آوری سخنان و احادیث آنان؛

ب) ضبط و گزارش رفتارها و شیوه‌های عملی آنان.

منابع تاریخی شیعه و سنی به روشنی تمام نشان می‌دهد که اصحاب پیامبر در پرتو اعتقاد به عصمت آن حضرت و توصیه‌های مؤکد قرآن بر پیروی از ایشان، کوششی تام بر ثبت و ضبط و گزارش همه حرکات، سکنتات، اعمال و رفتار آن حضرت مبذول داشته‌اند تا مبنایی برای درس‌آموزی و الگوپذیری همه نسل‌ها و آیندگان به یادگار گذارند. بر همین اساس، مورخان به حفظ این میراث گران‌بها و نقل زوایای گوناگون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی حضرت عنایت وافر داشته‌اند؛ تا آن‌جا که افراد خاصی به عنوان «وصاف» شناخته می‌شدند و کار آنان بیان ویژگی‌های پیامبر ﷺ بود.^۱ از سوی دیگر بخش‌هایی از منابع و مآخذ روایی به احادیث ناقل سیره پیامبر ﷺ اختصاص یافته و حتی کتاب‌هایی ویژه در این زمینه به نگارش در آمده است.^۲

همچنین این شیوه از سوی اصحاب ائمه علیهم السلام و علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام در مورد آن بزرگواران تکرار شده و سیره عملی آنان نیز ثبت و نقل شده است.^۳

علاوه بر آنچه یادآوری شد، تاریخ نشان می‌دهد که در نسل‌های بعد نیز مسلمانان بر

۱. ر.ک: بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲. از جمله کتاب‌های السیره النبویه ابن هشام، سیره ابن کثیر، سیره ابن اسحاق و نظایر آن.

۳. از جمله صفة الصفوه از ابن جوزی و تذکرة الخواص از سبط ابن جوزی.

آشنایی فرزندان‌شان با سنت و سیره نبوی و تربیت آنان بر پایه معیارها و الگوهای رفتاری آن حضرت همت گماشته‌اند.^۱

۲. اهتمام اصحاب و محدثان بر ثبت و ضبط و فراگیری و آموزش سیره پیامبر ﷺ و دیگر معصومان علیهم‌السلام ریشه در اعتبار و حجیت سیره و سنت آنان و نقش و کارکردهای فقهی، اخلاقی و تربیتی سیره دارد.

در فصل نخست این کتاب نقش سیره و کاربردهای گوناگون آن در علوم مختلف بررسی خواهد شد؛ زیرا همان‌گونه که سیره معصومان علیهم‌السلام می‌تواند از نگاه اصولی - فقهی منبعی برای استنباط‌های فقهی قرار گرفته و در منابع فقهی نقش مکمل احادیث را ایفا کند، از نگاه اخلاقی و تربیتی نیز می‌تواند نقش‌ها و کارکردهای آموزشی، تقویتی، الگوسازی و مانند آن را بیافریند.

بنابراین همان‌طور که «نقل تاریخی» سیره دارای ارزش تاریخی است، بررسی، تحلیل و تنظیم سیره به دلیل اعتبار و حجیت آن، دارای ارزش فقهی، شرعی و دینی است و نباید از آن غفلت شود.

۳. بسی آشکار است که بهره‌برداری بهتر از منبع سیره، مانند متن حدیث، نیازمند تحقیق و دقت مستمر است و پژوهش در آن باید بر پایه منطق و روش‌های علمی استوار باشد. افزون بر آن باید توجه داشت که بر خلاف احادیث، درباره سیره از این قبیل پژوهش‌ها کمتر انجام شده است.

از جمله اموری که تحلیل و ارزیابی سیره معصومان علیهم‌السلام را آسان‌تر می‌کند، تقسیم و تفکیک آنها بر اساس قلمرو و ساحت‌های گوناگون آن رفتارهاست. به طور مثال گروه‌بندی سیره‌ها در سیره‌های اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، نظامی و مانند اینها، راه را برای بازشناسی و استفاده مفیدتر از آن هموار می‌سازد.

یکی از قلمروهای مهم در سیره معصومان علیهم‌السلام، قلمرو تربیتی است. در واقع جمع‌آوری همه رفتارهایی که در مقام اثرگذاری بر شخصیت و رفتار دیگران از آنان گزارش شده است می‌تواند ذخیره‌ای گران‌بها در بازشناسی و پژوهش در زمینه تربیت اسلامی باشد.

این نکته نیز در خور دقت است که به رغم آن‌که شأن معصومان علیهم‌السلام هدایتگری و تعلیم و تربیت است و این شأن در رفتار آنان بیشترین تجلی را داشته، اما در این زمینه آثار و

۱. ر.ک: سوید، محمد نور بن عبدالحفیظ، التریة النبویة للطفل، ص ۹۹.

تحقیقات معتبر کمتری در دسترس است؛ حال آن که در زمینه سیره‌های سیاسی-اجتماعی و اخلاقی به آثار بیشتری می‌توان دست یافت. از سوی دیگر در آمیختگی اخلاق و تربیت، بی‌توجهی به بسیاری از مفاهیم و عناوین خاص و جزئی در باب تعلیم و تربیت در فضای سیره و فقدان نگاه تربیتی به سیره و فرایند زندگی معصومان ﺍﻫﻞﺑﯿﺖﻋﻠﯿﻬﻢﺍﻟﺴﻼﻡ کاستی‌های دیگری است که در این عرصه دیده می‌شود.

با عنایت به آنچه به اختصار بیان شد، می‌توان به اهمیت این بحث و تحلیل سیره معصومان ﺍﻫﻞﺑﯿﺖﻋﻠﯿﻬﻢﺍﻟﺴﻼﻡ از نگاه تربیتی به معنای خاص آن، تا اندازه‌ای پی برد. این طرح نیز برای رفع پاره‌ای از این کاستی‌ها فراهم آمده و امید می‌رود در این میدان گامی به جلو باشد.

اهداف طرح

هدف از این تحقیق، دستیابی به سیره‌های قولی و فعلی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻫﻞﺑﯿﺖﻋﻠﯿﻬﻢﺍﻟﺴﻼﻡ و نیز کشف قوانین و قواعد حاکم بر آنها و نظام بخشی به مجموعه آنهاست؛ به سخن دیگر عمده‌ترین اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. گردآوری سیره‌های تربیتی و بررسی روشمند آنها؛
 ۲. سامان‌بخشی و ساختاردهی به سیره‌ها؛
 ۳. زمینه‌سازی برای کشف قوانین و قواعد حاکم بر سیره و برقراری ارتباط آن با گفتار معصومان ﺍﻫﻞﺑﯿﺖﻋﻠﯿﻬﻢﺍﻟﺴﻼﻡ در یک طرح کلان و کلی.
- مبانی و پیش‌فرض‌های این طرح، یک سلسله از گزاره‌هایی است که بخشی از آنها در فصل نخست بررسی شده و پاره‌ای دیگر به صورت اموری مفروض در این مباحث در نظر گرفته شده است.

مراحل طرح

این طرح مراحل زیر را طی کرده است:

۱. در مرحله نخست، «طرح اولیه» تهیه شد و مطالعات مقدماتی و مشاوره‌های متعددی برای آشنایی با ابعاد گوناگون آن انجام پذیرفت، سپس کتاب‌شناسی و مأخذ‌شناسی به فرجام رسید.

۲. پس از آن، چارچوب، فهرست، طرح تفصیلی و موضوعات و عناوین فرعی تدوین شد.

۳. سپس بر پایه «مآخذشناسی» و «فهرست سرفصل‌ها»، منابع فیش‌برداری شده و محققان دیدگاه تحلیلی و نظر خود را در فیش‌ها ثبت کردند.

۴. همراه با فیش‌برداری، در جلسات گروهی، فیش‌ها بررسی و تحلیل شد و همه عناوین و دلالت‌های آیه، روایت یا نقل تاریخی استخراج و بر اساس روش استنباط معتبر نمایه‌سازی شد. به سخن دیگر، فیش‌ها «تحلیل و نمایه‌سازی» شد. در مرحله «بررسی و تحلیل فیش‌ها»، جداسازی فیش‌های مربوط به سیره‌های تربیتی - به معنای خاص آن - از سیره‌های دیگر با دقت و وسواس تمام و با توجه به روش‌های معتبر در فهم و تفسیر فیش‌ها و تا حدودی نقد سند روایات و سیره‌ها براساس ملاک‌های پذیرفته شده، مورد اهتمام قرار گرفت.

۵. به دنبال مراحل پیشین و به دلیل برخورد با عناوین جدید در فیش‌ها یا نیافتن مطلبی از سیره در مورد پاره‌ای عناوین موجود در طرح آغازین، که ساختار آن بر مبنای عناوینی چون مبانی، اصول، روش‌ها و آداب تدوین شده بود، طرح یادشده بازنگری و - ساختاری نو - بر پایه ساحت‌های گوناگون تربیت، شکل گرفت.

۶. در نهایت محققان فراوری طرح را در قالب چهار جلد کتاب به صورت فردی به عهده گرفتند و پس از نگارش و نظر نهایی مدیر و ناظر، طرح به فرجام رسید.

موانع و محدودیت‌ها

در این تحقیق از همان آغاز، موانع، دشواری‌ها و محدودیت‌هایی پیش‌بینی می‌شد. افزون بر آنها در روند کار موانع و محدودیت‌های دیگری نیز رخ نمود که مهم‌ترین آنها چنین است:

۱. فقدان پیشینه مناسب و کمبود منابع و مآخذی که به صورت فنی و دقیق به موضوع پرداخته باشند؛

۲. پراکندگی سیره‌ها در منابع گسترده روایی و تاریخی؛

۳. مشکلات کاربست قواعد رجالی در منابع تاریخی و فقدان سند قابل ارزیابی در بسیاری از گزارش‌های تاریخی و روایات مربوط به این گونه مطالب؛

۴. کمبود قرائن و شواهد دال بر اوضاع و احوال حاکم بر رفتار و سیره معصومان؛

۵. چگونگی جداسازی سیره‌های تربیتی از سیره‌های اخلاقی، سیاسی و جز آنها و ارائه ملاک روشن و تطبیق آن بر مصداق‌ها به این شکل از موانعی بود که همواره مجادلات و چالش‌های جدی بر می‌انگیخت؛
۶. پایبندی تحقیق بر دلالت معتبر و روش مقبول تفسیر متن که در مقام عمل، معضلات فراوانی می‌آفرید؛
۷. دستیابی به تعاریف روشن و مقبول در واژه‌های مربوط به تعلیم، تربیت و سیره که در بسیاری از موارد اشکالاتی تولید می‌نمود؛
۸. از همه این امور بنیادی‌تر آن که استنباط از رفتار معصومان ﺍﻫﻞ بیت و استفاده و استخراج گزاره‌های عام، فراگیر و معتبر فقهی، اخلاقی و تربیتی از سیره عملی با پرسش‌های مهمی مواجه است. عبور سیره‌ها از قرائن و اوضاع زمان و مکان و حمل بر عناوین اولیه و رسیدن به توصیف‌ها، توصیه‌ها و تکلیف‌های عام، به سادگی امکان‌پذیر نیست - برخی از این امور در فصل اول توضیح داده شده است -؛
۹. علاوه بر همه اینها کمبود مشاوران و محققانی که همزمان با رشته‌های تاریخ، فقه و تربیت آشنا باشند از موانع این دست از پژوهش‌هاست؛
۱۰. گستردگی و وسعت دامنه این‌گونه طرح‌ها نیز محدودی‌هایی را در فرایند پژوهش به دنبال دارد چرا که در گام نخست، گریزی از ارائه چارچوب کلی بحث برای فراهم‌آوری زمینه بررسی‌های جزئی‌تر و دقیق‌تر در مراحل آینده نیست؛
۱۱. جستجو و یافتن چارچوب و ساختار واحد و نظام‌آوری که سازگار و پاسخگوی سیره‌های پرشمار و گوناگون باشد، از مشکلات اساسی این طرح بود.

ویژگی‌های طرح

به رغم همه موانع و محدودیت‌های یادشده، این پژوهش و نتایج مدون آن - که در چهار دفتر تقدیم خواهد شد - دارای امتیازات و ویژگی‌هایی است که به برجسته‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. فیش‌برداری به نسبت کامل از عناوین و موضوعات تربیتی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻫﻞ بیت؛
۲. بررسی منابع شیعه و سنی و نیز منابع تاریخی، روایی، تفسیری، اخلاقی و رجالی؛
۳. تفکیک فنی سیره‌های تربیتی از سیره‌های اخلاقی و سیاسی و مانند آنها؛

۴. فراهم آمدن مجموعه فیش‌ها به روش رایانه‌ای و نظام‌دهی و نمایه‌سازی آنها؛
۵. توجه به اعمال قواعد استنباطی در فهم و تفسیر سیره‌ها در حد میسر؛
۶. اجرای تحقیق گروهی در خصوص مبحثی میان رشته‌ای با اعتماد بر روش‌های معتبر و شیوه‌های متقن علمی؛
۷. ساماندهی سیره‌های تربیتی بر اساس ساحت‌ها و قلمروهای تربیتی در زمینه تربیت دینی، تربیت اخلاقی و آموزش؛ البته بخش کودک به علت وجود سیره‌های فراوان به صورت مستقل بررسی شد و جلد نخستین مجموعه به آن اختصاص یافت - جلد‌های بعدی بر اساس ساحت‌های دینی، اخلاقی و آموزشی تدوین خواهد شد -؛
۸. در نهایت این تحقیق، زمینه تدوین «معجم موضوعی سیره تربیتی» و نیز تحقیق‌های اساسی‌تر در این قلمرو و پی‌افکندن نگاه تحلیلی - تربیتی به تاریخ پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻫﻞ بیت ﺍﻫﻞ بیت است.
- در پایان، از محققان فاضل آقایان سید علی حسینی‌زاده، محمد داوودی و علی اکبر زهره کاشانی که از آغاز تا پایان این طرح همکاری کرده‌اند و نیز از آقایان حجج اسلام محمد عطایی و رضا شاکری که در مرحله فیش‌برداری و مراحل اولیه طرح مشارکت داشته‌اند و همچنین از استاد ارجمند، آقای دکتر احمد احمدی، ناظر طرح و دیگر استادان حوزه و دانشگاه که در ارتقای این پژوهش سهیم بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نموده، توفیق آنان را از خداوند بزرگ خواهانیم.

گروه علوم تربیتی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحة ٨ خالی است

فصل اول

کلیات و مبانی

پیش از بررسی سیره تربیتی شایسته است مباحث بنیادین آن بررسی شود.

مبحث نخست: واژه‌شناسی

مهم‌ترین واژه‌های این پژوهش چنین است:

۱. سیره

سیره بر وزن فعله از کلمه «سیر» گرفته شده است. سیر به معنای حرکت و راه رفتن است و چون وزن فعله در زبان عربی بر نوع، کیفیت و هیئت عمل دلالت دارد، سیره به معنای حالت و چگونگی حرکت است؛ مانند «جَلَسْتُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ؛ بنده وار نشستم» که چگونگی نشستن را بیان می‌کند.

برخی محققان از دلالت وزن فعله بر نوع و هیئت عمل، چنین برداشت کرده‌اند که سیره بر سبک و روش عمل دلالت دارد و از این رو گفته‌اند سیره‌نویسان به طور معمول از این نکته تخطی کرده‌اند و به رفتار پیامبر ﷺ پرداخته‌اند، نه سبک رفتار آن حضرت.^۱

در بررسی این دیدگاه باید به این نکته توجه داشت که سیره دارای دو معناست:

۱. سیره در اصطلاح، گاه به معنای چگونگی و نوع عمل است. این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آن‌جا که هیچ فعالیتی بدون حالتی خاص تحقق نمی‌یابد و حالت رفتار، جدا از رفتار نیست؛ بنابراین سیره در این مفهوم همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی را شامل می‌شود. این معنای اولیه و اصیل سیره است و البته چندان ربطی به سبک و قاعده رفتار ندارد.

۱. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۴۷.

در زبان عربی هرگاه ماده واژه‌ای به وزن «فعله» در آید، بر هیئت، نوع، چگونگی و حالت تحقق آن رفتار دلالت می‌کند و از آن‌جا که هر رفتار آدمی به هنگام ظهور و صدور از کیفیت خاصی برخوردار است، کاربرد این وزن در همه افعال و مواد صحیح است. هر رفتار حتی اگر یک بار هم اتفاق بیفتد دارای کیفیت و هیأتی است و در وزن «فعله» دوام و تکرار، نهفته نیست. از سوی دیگر ماده واژه «سیره» در سیره دارای معنا و مفهومی بسیار کلی و مبهم است. در واقع سیر در این کاربرد یعنی فعالیت و رفتار و از این لحاظ با واژه‌هایی مانند جلوس و حرکت که افعالی خاص و دارای ماهیتی مشخص و ویژه‌اند متفاوت است.

با توجه به دو نکته فوق می‌توان «سیره» را به «چگونگی عمل و رفتار» تفسیر کرد؛ یعنی این مفهوم هم شامل رفتارهای خاص و متعین آدمی است از آن نظر که کیفیت و تعیینی از کل رفتار اوست، و هم بر سیره شخص، یعنی هر فعالیت و عملکردی که از او سرزده دلالت می‌کند، چه یک بار اتفاق بیفتد و چه مکرر و پیوسته باشد.

۲. معنای دوم سیره «سبک و قاعده رفتار» است. این معنا اخص از معنای اول است و از آن‌جا که به طور معمول هر رفتار و عملکرد، به ویژه اگر از فاعل حکیم سرزده و به صورت پیوسته اتفاق بیفتد، تابع قانون و سبکی ویژه است، گاهی «سیره» به معنای سبک، شیوه و قاعده حاکم بر رفتار به کار می‌رود؛ و این همان معنایی است که شهید مطهری بدان اشاره دارد. اما در اصطلاح مورخان «سیره» بر همان معنای اول که هم رایج و هم دقیق است اطلاق شده و جای خرده‌گیری بر آنان نیست. البته بررسی سیره به معنای اول، مقدمه‌ای است برای دستیابی به قواعد و سبک حاکم بر سیره، که همان معنای دوم است؛ چنان‌که تاریخ زمینه‌ای است برای مباحث فلسفه تاریخ که به بررسی قوانین حاکم بر حوادث تاریخی می‌پردازد.

اینک باید توجه داشت که منظور ما در این سلسله مباحث، سیره به معنای دوم است و در واقع بنای ما در این مباحث بر سیره نگاری و تاریخ نویسی نیست؛ بلکه به منظور دستیابی به قواعد تربیتی و سبک‌های تربیتی معصومان علیهم السلام سیره نقل شده از آن بزرگان در احادیث و تاریخ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

نکته شایان توجه اینکه گفتار هم، چون جزء رفتار آدمی است، از لحاظ چگونگی صدور از گوینده می‌تواند سیره محسوب شود و از این رو می‌توان سیره را به دو گونه قولی و فعلی تقسیم کرد. بنابراین در این مباحث «سیره» علاوه بر رفتار تربیتی معصومان علیهم السلام، چگونگی بیان گفتارهای تربیتی - و نه محتوای گفتار - آنان را نیز شامل می‌شود.

۲. سنت

از آن جا که مفهوم «سنت»، قرابتی ویژه با «سیره» دارد، نگاهی گذرا به مفهوم «سنت» و مقایسه آن با «سیره» راهگشاست. سنت در لغت به معنای صورت، طریقه و سیره آمده^۱ و در اصطلاح به معنای متفاوتی به کار رفته است؛ نزد مورخان «سنت» به معنای شرح حال، تاریخ زندگی و تولد رسول خدا، شرح غزوات، تاریخ زندگی فرزندان، خاندان و یاران آن حضرت و مانند اینهاست.

در اصطلاح اصولیان و فقیهان، سنت عبارت است از اقوال، افعال و تقریر معصوم که البته از نظر عامه، تنها شامل پیامبر ﷺ و از نظر شیعه، افزون بر پیامبر ﷺ شامل ائمه اطهار علیهم السلام نیز می شود.

در اصطلاح فقهی - حدیثی، سنت عبارت است از احکام مستحب در مقابل احکام چهارگانه دیگر - واجب، حرام، مکروه و مباح -.

همچنین در احادیث، گاهی سنت به معنای دیگری به کار رفته و آن عبارت است از کلیه مقرراتی که از جانب رسول خدا ﷺ معین شده است؛ مانند شمار رکعات نمازهای واجب، کیفیت طلاق، تشهد، قرائت و امثال اینها.^۲

از معانی بسیار رایج سنت و درعین حال دور از موضوع بحث، راه و رسم زندگی و قوانینی است که دست کم در چندین نسل باقی مانده باشد. در عربستان قدیم به سنت بدین معنا بسیار اهمیت می دادند و به آن احترام می گذاشتند.

با توجه به معانی یادشده از سنت می توان گفت در عرف مورخان، سیره و سنت به یک معنی است و آن عبارت است از شرح حال و تاریخ زندگی پیامبر ﷺ - از نظر اهل سنت - و ائمه علیهم السلام - از نظر شیعه -، اما در سایر حوزه ها اصطلاح سیره و سنت متفاوت است.

از دیدگاه لغت شناسی نیز می توان گفت سیره و سنت به یک معنا آمده و آن عبارت است از روش و طریقه پیموده شده. تفاوتی که میان سیره و سنت در اصطلاح فقهی - اصولی وجود دارد این است که سنت، اعم از اقوال و افعال است؛ در حالی که سیره تنها بر افعال صدق می کند. البته به کیفیت و هیئت قول نیز سیره اطلاق می شود؛ به طور مثال اگر پیامبر ﷺ در مقام سخن گفتن متین یا فصیح سخن می گفتند، گفته می شود سیره قولی آن

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ذیل واژه سنن.

۲. رک: طباطبایی، محمد حسین، سنن النبى، ص ۱۵.

حضرت چنین بوده و این غیر از خود قول است؛ چون در اینجا هیئت و چگونگی سخن گفتن پیامبر ﷺ - که سخن گفتن هم خود نوعی فعل است - مطرح است.

۳. تربیت

تربیت از ماده «رَبَوَ»، به معنای افزودن و رشد و نمو کردن آمده یا از ماده ربب به معنای صاحب، خالق، مالک و مصلح^۱ و در اصطلاح تعاریف متعددی از آن بیان شده^۲ و هرکس از زاویه‌ای به آن نگریسته و تعریفی خاص از آن ارائه داده است؛ یکی بر اساس هدف، دیگری بر اساس روش و سومی بر اساس تلفیقی از روش و هدف. در این بحث نه مجال ورود به تعریف تربیت است و نه ضرورتی دارد، ولی در اینجا تعریفی کلی که تا حد بسیاری پذیرفتنی است به عنوان مبنا و محور بحث ذکر می‌شود:

«تربیت عبارت است از هرگونه فعالیت که معلمان، والدین یا هر شخص دیگری به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهد».

البته اهداف و محتوای تربیت نسبت به هر فرد، گروه یا مکتبی متفاوت است. همچنین طبق این تعریف نه مربی تنها به معلم اطلاق می‌شود و نه مربی به دانش‌آموز. هم‌چنین محیط تربیت نیز اعم از مدرسه و محیط‌های آموزشی است و شامل مدرسه، خانه، محل کار، و حتی کوچه و خیابان نیز می‌شود.

۴. اهل بیت علیهم السلام و عصمت

مقصود از اهل بیت علیهم السلام در این مبحث حضرت زهرا علیها السلام و امامان دوازده‌گانه‌اند که همگی عصمت الهی دارند. واژه عصمت در لغت به معنای بازداشتن و محافظت کردن^۳ و در اصطلاح دینی و کلامی «مصونیت شخص از گناه و خطا» است.^۴

۱. ابن فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغة، ذیل «ربو» و «رب».

۲. ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، بخش دوم، فصل اول.

۳. لسان العرب، تاج العروس و معجم مقاییس اللغة، ذیل واژه «عصم».

۴. ر.ک: سبحانی تبریزی، جعفر، الالهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل (به قلم شیخ حسن محمد مکی عاملی، ج ۲، ص ۱۴۸).

در مورد عصمت انبیا در میان فرق اسلامی اختلافات دامنه‌داری پدید آمده اما مکتب تشیع معتقد به عصمت آنان است. در کتاب‌های کلامی مانند شرح مواقف و شرح مقاصد این بحث مطرح شده و سید مرتضی در کتاب تنزیه الانبیاء^۱ از دیدگاه شیعه دفاع کرده است. البته در این تحقیق سیره تمام انبیا بررسی نمی‌شود، بلکه تنها سیره پیامبر خاتم، حضرت محمد ﷺ مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

راز اهمیت سیره و رفتار اهل بیت علیهم‌السلام و لزوم تحقیق درباره آن در عصمت آنان نهفته است و این نکته منشأ اعتبار و حجیت گفتار و رفتار آنان است. درباره عصمت در میان مذاهب کلامی مسلمانان بحث‌های فراوانی مطرح شده است؛ از جمله:

۱. حقیقت عصمت چیست؟ علت و دلیل آن چیست؟
۲. دامنه و حدود معصومیت چقدر است؟ آیا عصمت به سخنان تبلیغی آنان اختصاص دارد یا شامل کل سخنان آنان و حتی رفتار آنان نیز می‌شود؟ آیا عصمت از گناه مورد نظر است یا خطای غیر عمدی را هم در بر می‌گیرد و یا حتی مصونیت از ترک اولی نیز در معنای عصمت لحاظ شده است؟
۳. آیا عصمت به پیامبر ﷺ اختصاص دارد یا اشخاص دیگری هم مشمول آن هستند؟ پاسخ تفصیلی به این پرسش‌های مهم را باید در منابع و مآخذ کلامی جستجو کرد، اما نوع پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها، در رویکرد نهایی و موضعی که نسبت به سیره عملی پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام گرفته می‌شود و میزان اعتبار آن تأثیر دارد. پیش فرض مباحث این طرح «عصمت پیامبر ﷺ، حضرت زهرا علیها‌السلام و امامان دوازده گانه از گناه و خطا در اقوال و افعال است» و این نظریه، مشهور و در مذهب تشیع مبنا و اصل موضوع بحث تلقی شده است.^۲
- نکته مهمی که در این مبحث باید بر آن تأکید کرد این است که امامان معصوم علیهم‌السلام از دیدگاه شیعه و بسیاری از مسلمانان، علاوه بر آن‌که از صحابه و تابعان ممتاز پیامبر اسلام ﷺ

۱. علم الهدی، سید مرتضی، تنزیه الانبیاء: پژوهشی قرآنی در باره عصمت پیامبران و امامان علیهم‌السلام، ترجمه امیر سلمانی رحیمی، ص ۲۴-۳۲.

۲. در این زمینه ر.ک: سبحانی تبریزی، جعفر، اضاء علی عقاید الشیعة الامامیة و تاریخهم، ص ۳۸۸؛ مسجد جامع، علیرضا، پژوهشی در معارف امامیه، ج ۲، ص ۶۵۷.

بوده‌اند، از عنوان مهم «اهل بیت» برخوردارند و آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ به مقام ویژه آنان اشاره دارد و بسیاری از محققان و مفسران اهل سنت^۲ هم با این تفسیر موافق‌اند. از این رو در این مباحث می‌توان با دید «فرا شیعی» سیره آنان را ارزیابی و ارزش‌گذاری کرد و آنان را از الگوهای متعالی همه مسلمانان به شمار آورد. به همین دلیل در عنوان این مجموعه کتاب‌ها، بر واژه اهل بیت ﷺ - که هم قرآنی و هم مورد وفاق مسلمانان است - تأکید شده است.

۵. سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ

با توجه به تعریفی که از سیره، تربیت و عصمت ارائه شد، سیره تربیتی معصومان ﷺ - پیامبر و اهل بیت - عبارت است از «هر رفتاری که پیامبر ﷺ، حضرت زهرا ﷺ و یا یکی از ائمه دوازده‌گانه ﷺ برای اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، اصحاب و غیر اصحاب، کودک و بزرگسال، فرزندان و خانواده خود یا دیگران، در محیط خانه، مسجد، کوچه و بازار یا هر جای دیگر انجام می‌دادند».

چنان‌که گفته شد در این تعریف مراد از معصوم، پیامبر اکرم ﷺ، حضرت زهرا ﷺ و امامان معصوم ﷺ می‌باشد؛ البته گرچه عنوان معصوم شامل سایر پیامبران الهی نیز می‌شود، اما در اینجا از سیره آنان بحث نمی‌شود.

تأکید بر قید «تربیتی» برای تحدید موضوع و جداسازی سیره سیاسی، نظامی و مانند آن به کار رفته است. به عبارت دیگر رفتارهایی که معصومان ﷺ در مقام حاکم، فرمانده جنگ، مبارز، سیاستمدار و مانند آن انجام داده‌اند، از دایره بحث این کتاب بیرون است. این رفتارها نیز، گرچه بر دیگران اثرگذار بوده است، اما این‌گونه تأثیر، تأثیر تربیتی نامیده نمی‌شود؛ مگر اینکه در این سیره‌ها هم دلالت آشکار تربیتی وجود داشته باشد.

بنابراین، قلمرو بحث ما در این کتاب رفتارهایی است که از پیامبر ﷺ، حضرت زهرا ﷺ و امامان معصوم ﷺ به ویژه در مقام تربیت دیگران، صادر شده و دارای دلالت صریح تربیتی است.

۱. احزاب، ۳۳.

۲. ر.ک: فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، ج ۲۵، ص ۲۰۹ و سایر تفاسیر اهل سنت، ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب، ۲۱.

یادآوری می‌شود که در بحث نقش تربیتی سیره، به صورت مبسوط از دو اصطلاح عام و خاص سیره تربیتی و تمایز آن دو سخن گفته شده و بر این نکته تأکید شده است که به طور عمده در این طرح، مقصود، سیره تربیتی به معنای خاص است.

همچنین یادآوری این نکته نیز لازم است که در این تحقیق سعی بر این است که اصل و کلیت مباحث را با استفاده از سیره معصومان (علیهم‌السلام) - به همان معنایی که بیان شد - اثبات کنیم و سپس در جزئیات و مباحث پیرامون آن از روایات معصومان (علیهم‌السلام) نیز بهره بگیریم.

همچنین گفتنی است که در این کتاب گاه سخن از فرزند به میان می‌آید و گاه کودک. از سوی دیگر گاهی از سیره معصومان (علیهم‌السلام) در ارتباط با فرزندان آنها استفاده می‌شود و گاه از سیره آنها در ارتباط با کودکان اصحاب و در مواردی حتی از سیره آنها در ارتباط با کنیز و غلام نیز سود برده شده است، در حالی که عنوان کتاب تربیت فرزند است. این تنوع عناوین بدین دلیل است که اگر تنها به عنوان فرزند بسنده می‌شد و از سیره معصومان (علیهم‌السلام) در ارتباط با فرزندانشان بهره‌برداری می‌گردید، این پژوهش از برخی سیره‌هایی که رفتار معصومان (علیهم‌السلام) را نسبت به سایر کودکان بیان می‌کرد محروم می‌ماند و حال آنکه تفاوتی بین این دو گونه سیره نیست. هم‌چنین، اگر به عنوان کودک بسنده می‌شد باید از برخی سیره‌هایی که رفتار معصومان (علیهم‌السلام) را نسبت به جوانان و نوجوانان بیان می‌کرد بی‌بهره می‌ماندیم. افزون بر این، کنیز و غلام بر نوجوانان در پیش از سن تکلیف نیز اطلاق می‌شود و آنها نیز در حکم اعضای خانواده معصومان (علیهم‌السلام) محسوب می‌شوند و دست‌کم معصومان (علیهم‌السلام) با آنها چون اعضای خانواده خود رفتار می‌کردند. از این رو، عنوان کتاب را «تربیت فرزند» نهادیم، اما از سیره معصومان (علیهم‌السلام) در ارتباط با کودکان، نوجوانان و جوانان خود و سایر اصحاب و نیز کنیزان و غلامان نیز بهره برده‌ایم.

مبحث دوم: حجیت و اعتبار سیره

پیش از هرگونه بحثی در باب سیره، پرسش شایان توجه این است که آیا به طور کلی رفتار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان معصومین (علیهم‌السلام) دارای حجیت، سندیت و اعتبار می‌باشد؟

برای روشن شدن بحث به دو نکته باید توجه کرد: نخست آن‌که واژه «حجت» در منطق و اصول دارای معانی گوناگونی است ولی در این جا مقصود معنای لغوی آن است که عبارت است از: «هر امر معتبری که سندیت دارد و پیروی از آن لازم است». دوم آن‌که مقصود از

سیره در این مبحث رفتار صادر شده از معصوم ﷺ است، نه نقل و حکایت آن در حدیث و تاریخ. بنابراین پرسش این است که چه دلیلی بر اعتبار و سندیت رفتار معصومان ﷺ و ضرورت پیروی از سیره آنان وجود دارد؟

چنان‌که پیش‌تر بدان اشاره رفت، در علم اصول و حدیث به این امر تصریح شده که سنت عبارت است از گفتار، رفتار و تقریر معصومان ﷺ. ادله اثبات سندیت و اعتبار سنت به چند گروه تقسیم می‌شود:

۱. ادله‌ای که دلالت بر اعتبار گفتار معصومان دارد؛ مانند آیات و روایات وجوب اطاعت از پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ که نمایانگر ضرورت پیروی و فرمانبری از سخنان آنان است. مانند؛ ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾^۱ و نیز ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۲ و نیز ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾.^۳

۲. ادله‌ای که دلالت بر اعتبار رفتار معصومان دارد؛ مانند آیه ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾،^۴ بنابراین تفسیر که «اسوه» به معنای الگوی رفتاری باشد. و یا ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾.^۵

۳. ادله و شواهدی که دارای اطلاق است و اعتبار سخن و عمل معصومان را افاده می‌کند؛ مانند دلیل «عصمت»؛ زیرا مصونیت کلی آنان از گناه و خطا هر گونه سخن و عمل آنان را حجیت و اعتبار می‌بخشد.

در مورد حجیت سیره امامان معصوم ﷺ به آیاتی از قرآن کریم نیز استناد شده است^۶ و علاوه بر آن، اخبار متواتر پیامبر ﷺ مانند حدیث ثقلین،^۷ این نکته را اثبات می‌کند.

بنابراین به استناد شواهد، قرائن و ادله کلامی، قرآنی و حدیثی، سنت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و نیز امامان معصوم ﷺ به طور کلی و سیره عملی آنان به طور خاص دارای حجیت و اعتبار است. البته در مورد دلالت سیره و رفتار آنان و حدود این دلالت در مباحث آینده سخن خواهیم گفت.

۱. انفال، ۲۰.

۲. نساء، ۵۹.

۳. نجم، ۳ و ۴.

۴. احزاب، ۲۱.

۵. آل عمران، ۳۱.

۶. مانند ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب، ۳۳).

۷. ائمی مخلف (تارک) فیکم الثقلین ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض (شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۳۳).

این مبحث دامنه گسترده‌ای دارد و جایگاه آن علم اصول است. از این رو از بسط کلام و نقد و بررسی ادله می‌گذریم و آن را به محل مناسب خود وا می‌گذاریم.^۱

مبحث سوم: منابع و راه‌های اثبات سیره

با روشن شدن مفهوم «سیره تربیتی» و اعتبار سیره به طور کلی، پرسش دیگری که لازم است بدان پرداخته شود این است که چگونه می‌توان سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام را به دست آورد و از چه راه‌هایی می‌توان آن را اثبات کرد؟

در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت به طور کلی اثبات سیره معصومان علیهم‌السلام یعنی رفتار آنان، با روش نقلی و مراجعه به منابع مورد اعتماد میسر است. با توجه به این قاعده کلی می‌توان راه‌های اثبات و نسبت دادن چیزی - اعم از قول و فعل - را به معصومان علیهم‌السلام در سه دسته خلاصه کرد که به اجمال به هریک از آنها پرداخته می‌شود. شایان توجه است که راه‌های اثبات گزاره دینی و حکم الهی در اصول فقه بیش از اینهاست، اما آنچه در این بحث مفید است همین چند راه است:

۱. قرآن کریم

قرآن کریم گاه مطالبی را به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت داده یا برخی از ویژگی‌های آن حضرت را یادآور شده است که می‌توان از آنها به سیره آن حضرت پی برد.^۲ البته اینگونه استفاده از قرآن تنها به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختصاص دارد؛ چون قرآن در مورد ائمه علیهم‌السلام به صورت مستقیم به ویژگی‌هایی تصریح نکرده است، ولی شاید بتوان گفت حتی در مورد سیره آنها نیز از قرآن می‌توان استفاده کرد؛ زیرا برخی از آیات، طبق ادله معتبر، در خصوص ائمه علیهم‌السلام نازل شده است.^۳

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: الاشقر، محمد سلیمان، افعال الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دلالتها علی الاحکام الشرعیة، ج ۱، فصل سوم؛ جامع احادیث الشیعة، ج ۱.

۲. مانند «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹) و یا «مُحَمَّدٌ رُسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹).

۳. مانند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب، ۲۳). و نیز «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رُكْعُونَ» (مائده، ۵۵). و یا آیاتی که صفات مؤمنین را بیان می‌کند با توجه به این که امامان علیهم‌السلام فرد اعلا و اکمل از مؤمنین هستند.

حجیت و اعتبار قرآن نیز مسلم است؛ چون اعجاز قرآن اتکای آن را به وحی اثبات می‌کند و افزون بر آن به تواتر به ما رسیده است و ادله عدم تحریف قرآن نیز اعتبار آن را روشن‌تر می‌سازد.

در باب دلالت قرآن نیز باید توجه داشت که گرچه در مواردی دلالت قرآن متشابه است ولی دلالت ظواهر و محکومات آن تردیدناپذیر است و آیاتی که ویژگی‌ها و سیره پیامبر ﷺ و مؤمنان را بیان می‌کند در بیشتر موارد از محکومات است و تردیدی در دلالت آنها نیست. بنابراین با استفاده از قرآن می‌توان به بخشی از سیره پیامبر ﷺ در امر تربیت دست یافت.

۲. خبر

یکی دیگر از منابع و راه‌های اثبات گزاره‌های دینی و از جمله سیره معصومان علیهم السلام، اخبار و احادیثی است که در کتاب‌های روایی نقل شده است. واضح است که صرف خبر و حدیث منقول اعتبار و ارزش ندارد، اما در وضعیت ویژه و با شاخص‌ها و معیارهای خاص می‌تواند اعتبار و حجیت بیابد. اینک به اجمال به مواردی که به خبر اعتبار و حجیت می‌بخشد اشاره می‌شود:

۲-۱. خبر متواتر: خبر متواتر خبری است که گزارش‌کنندگان آن چنان فراوان‌اند که احتمال هم‌دستی آنها در جعل و دروغ‌سازی و نیز احتمال خطای آنان منتفی است.

در اعتبار و حجیت این نوع خبر، در هر موضوع حسّی و نزدیک به حسّ، از نظر عقلی هیچ تردیدی وجود ندارد و مبنای فقها و دانشمندان اسلامی در احادیث نیز اعتماد بر خبر متواتر است. سرّ این اعتبار در این است که خبر متواتر موجب یقین قطعی می‌شود، و حجیت و اعتبار یقین قطعی نیز بدیهی است. البته این اعتبار مشروط به این است که همه سلسلهٔ راویان خبر متواتر باشند، بدین معنا که افراد متعددی آن را از امام نقل کرده باشند، نه اینکه یک نفر از امام نقل کرده باشد و عده‌ای نیز آن خبر را از آن یک نفر نقل کرده باشند. بنابراین برای اثبات قول و فعل، خبر متواتر راهی روشن و اطمینان‌آور است و از این رو برای هر مکلفی حجت است. نمونه‌های متعددی از خبر متواتر در احادیث وجود دارد.

۲-۲. خبر واحد ثقه: یکی دیگر از خبرهایی که بسیاری از علما آن را حجت و معتبر می‌دانند، خبر واحد و غیر متواتری است که راویان آن افرادی مورد وثوق باشند.

خبر واحد یعنی خبری که موجب علم و یقین قطعی نباشد، خواه راوی آن یک فرد باشد یا راویان متعدد داشته باشد. هم‌چنین خبری که شمار راویان آن به حدی نباشد که انسان

نسبت به مفاد آن قطع و یقین پیدا کند خبر واحد است. این نوع خبر اعتبار ندارد، مگر آن که راویان آن توثیق شده باشند.

اصل اعتبار خبر واحد ثقه مورد اتفاق است، گرچه در استدلال بر اعتبار آن، کیفیت، قلمرو و دلیل حجیت آن اختلافاتی وجود دارد.

بسیاری از سخنان ائمه علیهم السلام و بخش‌های فراوانی از سیره عملی آنها با این روش اثبات می‌شود.

۲-۳. خبر واحد دارای قرائن صدق: در صورتی که راویان خبر واحد توثیق نشده باشند، اما قرائن و شواهدی موجب اطمینان و اعتماد عقلانی بر مفاد آن خبر شود، بنابر پاره‌ای از مبانی، چنین خبری حجت و معتبر است؛ زیرا یا به دلیل موثق بودن راویان، که در خبر واحد ثقه در مبحث پیشین به آن اشاره شد و یا به دلیل وجود قرائنی که محتوای خبر را تأیید کند، چنین خبری دارای اعتبار و حجیت شمرده می‌شود.

قرائن و نشانه‌های درستی خبر را نمی‌توان حصر و محدود کرد، ولی برخی از آنها چنین است:

– تعدد راویان؛ که در اصطلاح آن را خبر مستفیض می‌نامند؛

– هماهنگی محتوای خبر با مضامین آیات و روایات؛

– هماهنگی با روح حاکم بر اسلام؛

– هماهنگی با موازین عقلی، و عقلانی و علمی معتبر؛

– نبود خبر معارض؛

– نبود احتمال تقیه در صدور خبر؛

– تضعیف نشدن راویان خبر در منابع معتبر.

در صورتی که تعدادی از این قرائن یا همه آنها در خبر واحدی اجتماع یابند ممکن است منشأ اطمینان و وثوق شوند.

۲-۴. قاعده تسامح در ادله سنن: بنابر پاره‌ای از مبانی اصولی خبر واحد در احکام غیر

الزامی حتی اگر در شمار دو مورد پیشین قرار نگیرد، دارای اعتبار است. این قاعده مبتنی بر نوعی آسان‌گیری در سند روایات استحبابی است.

دلیل صاحبان این مبنا، روایات متعددی است که در مورد ادله سنن وارد شده؛ به طور

مثال از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

من بلغه شیء من الثواب علی شیء من الخیر فعمله کان له أجر ذلک و ان کان رسول الله ﷺ لم یقله؛^۱

اگر روایتی [از پیامبر ﷺ] به کسی رسید مبنی بر اینکه عمل خیری ثواب ویژه‌ای دارد و آن شخص بر طبق آن روایت عمل کرد ثواب آن عمل را خواهد برد هرچند پیامبر ﷺ آن روایت را نفرموده باشد.

در اینکه مفاد این گونه روایات نشانگر استحباب عمل است یا تنها ثواب عمل و نه استحباب آن را اثبات می‌کند، بین فقها اختلاف وجود دارد؛ البته رأی نخست پذیرفتنی نیست و از این رو، حتی در مستحبات تربیتی هم خبر ضعیف اعتبار ندارد.^۲

نکته شایان تأمل این است که چه دیدگاه نخست پذیرفته شود و چه نظر دوم مبنا قرار گیرد مدلول احادیث ادله سنن، مانع از نقد محتوایی روایات نیست و اگر محتوای حدیثی با ملاک‌های معتبر و با ملاحظه احادیث صحیح یا عقل و یا تجربه مبرهن، پذیرفتنی نباشد، یا موجب تصرف در حقوق دیگران باشد، از دایره مفاد روایات ادله سنن خارج است. بنابراین با استفاده از خبر واحد در سه صورت گذشته نیز می‌توان به سیره معصومان علیهم السلام دست یافت؛ البته با توجه به اختلاف مبناهایی که ذکر شد.

۳. تاریخ

یکی دیگر از منابع دریافت سیره، مراجعه به متون و منابع تاریخی - و نه حدیثی - است. با استفاده از تاریخ می‌توان سیره معصومان علیهم السلام را به دست آورد. کتب سیره و تاریخ بسیاری از رفتارها و ویژگی‌های رفتاری معصومان علیهم السلام را گزارش کرده‌اند که در منابع روایی نیامده است. کتب تاریخ و سیره از نظر حجیت، حکم تازه‌ای ندارند و قواعد و شروط اعتبار آنها همان قواعد حجیت خبر و مشمول بحث‌های گذشته است، ولی برای دریافت سیره معصومان علیهم السلام به خصوص در امور اخلاقی، تربیتی و رفتاری با توجه به ملاک‌های گذشته می‌توان از آنها استفاده برد و سیره معصومان علیهم السلام را اثبات کرد.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۵۹.

۲. توضیح اینکه عده‌ای معتقدند روایات ادله سنن، استحباب عمل کردن به آنچه را در روایات ضعیف آمده اثبات نمی‌کند، بلکه تنها نمایانگر آن است که در صورت عمل کردن به آنچه در روایات ضعیف آمده، خداوند ثوابی را که در آن روایت ذکر شده به عمل‌کننده خواهد داد. اما در مقابل، آنچه پیش از این نظر مشهور بوده این است که روایات ادله سنن نمایانگر آن است که عمل به آنچه در روایات ضعیف آمده مستحب است (برای آشنایی بیشتر ر.ک: صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الاصول، ج ۲، ص ۱۷۵).

بنابراین همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد منبع ما در این کتاب برای اثبات سیره، در مواردی استفاده از قرآن کریم است. هم‌چنین در بیشتر موارد از کتب روایی و اخبار متواتر و اخبار آحادی که در آنها نقل شده استفاده شده است؛ البته بر اساس نکاتی که اشاره شد در بخش اخبار آحاد اصل بر صحت روایت نهاده شده، مگر در مواردی که محتوای روایت با روایات دیگر یا آیات قرآن معارض بوده و یا دست‌کم با حکم عقل و داده‌های علمی متقن منافات داشته است. هم‌چنین از منابع تاریخی معتبر نیز در این زمینه استفاده شده و بیشتر سعی بر این بوده است که در هر موضوع شواهد متعددی از سیره ذکر شود.

مبحث چهارم: دلالت‌ها و کارکردهای سیره

پس از اثبات حجیت سیره و آگاهی از روش‌های اثبات آن، نوبت به تعیین حدود دلالت سیره و انواع کارکردهای تربیتی آن می‌رسد. برای دستیابی به این حدود شایسته است موضوع از دو منظر فقهی و تربیتی بررسی شود:

۱. منظر فقهی - اصولی

در کتاب‌های علم «اصول فقه» این پرسش مطرح است که تا چه اندازه می‌توان به سیره اعتماد کرد و حدود دلالت آن چیست؟

در پاسخ این پرسش گفته شده که به دلیل اجمال و ابهام «فعل»، از فعل معصوم عَلَيْهِ السَّلَام چیزی بیش از جواز انجام آن را نمی‌توان اثبات کرد، مگر با قرائن و شواهد ویژه.^۱ در توضیح این بحث باید افزود که استفاده الگویی از سیره، متوقف بر دلالت رفتار معصوم عَلَيْهِ السَّلَام بر «مطلوبیت آن عمل برای همگان» است و این مسئله مبتنی بر اثبات مقدماتی است؛ از جمله:

۱. دلالت فعل بر رجحان و مطلوبیت مولوی و شرعی؛

۲. عدم اختصاص مطلوبیت آن فعل به معصوم عَلَيْهِ السَّلَام؛

۳. کنار نهادن شرایط وقوع فعل و تعمیم آن به همه اوضاع و احوال و همه زمان‌ها و مکان‌ها.

۱. ر.ک: مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۰؛ صدر نجفی، دروس فی علم الاصول، ج ۱، الحلقة الثانية، ص ۲۶۰.

اما چنانچه احتمال داده شود که فعل اختصاص به معصوم علیه السلام دارد، یا مختص به ظرف خاص و اوضاع ویژه‌ای است که به صورت مطمئن قابل تشخیص نیست و یا اصل دلالت سیره بر مطلوبیت شرعی و رجحان مولوی را نتوان اثبات کرد، به طبع سیره و رفتار از اعتبار برخوردار نبوده و نمی‌توان آن را به عنوان الگو پذیرفت. برای حل این مشکلات و اثبات سه مقدمه یاد شده، دو دیدگاه در میان صاحب نظران وجود دارد:

دیدگاه نخست

طبق این دیدگاه ادله‌ای وجود دارد که بر رجحان شرعی اقتدا به سیره معصوم علیه السلام به طور عام و برای همگان دلالت دارد. مفاد این دلیل‌ها مبتنی بر اثبات هر سه مقدمه - و در مواردی برخی از آن سه مقدمه - است. عمده‌ترین این دلایل آیه شریف «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱ است.

بر اساس این دیدگاه آیه یاد شده دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان دیگر علیهم السلام به عنوان الگوی مسلمانان معرفی شده‌اند و الگو بودن آنها به طور عام به این معناست که رفتار آنها مختص خود آنها نیست و در همه زمان‌ها و مکان‌ها و برای همگان سرمشق بوده و پیروی از رفتار آنان مطلوب است.

از این رو اصل نخستین در سیره عملی معصومان علیهم السلام مطلوبیت عام است و بیرون رفتن از این اصل اولیه و حکم به عدم دلالت فعل بر مطلوبیت شرعی، به قرائن خاص و استثنایی نیاز دارد؛ به عنوان نمونه در افعال روزمره و به طور کامل عادی، این قانون کلی کنار گذاشته می‌شود.

دلیل دومی که می‌توان بر این مدعا اقامه کرد این است که نقل سیره و رفتار خاص از سوی اصحاب و راویان، نشانه رجحان و مطلوبیت آن عمل به عنوان قاعده کلی است. در واقع بنای آنان بر این نبوده که رفتار طبیعی و عادی معصومان علیهم السلام را گزارش کنند؛ بلکه هرگاه استنباط می‌کرده‌اند که صدور فعلی از معصوم علیه السلام دارای اهمیتی ویژه و شایان الگوبرداری است، آن را نقل می‌کرده‌اند. از این رو نقل سیره در سخن اصحاب و راویان به